

دمکراسی سافت‌الیزم!

فرخ نگهدار، دبیر اول سابق سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت - است. او اکنون عضو شورای مرکزی سازمان است. شورای مرکزی نیز ارگانی است شبیه کمیته مرکزی. بدین ترتیب تصمیم گیرندگان امور اجرایی سازمان مذکور کسانی دیگری هستند، که اغلب نامشان نیز بعنوان نویسندگان مقالات و دیدگاه‌های مختلف در نشریه "کار" مطرح می‌شود؛ از جمله "بهزاد کریمی" و "پورنقوی" که ظاهراً و براساس نامه‌ای که در زیر می‌خوانید، در جریان سیاست "تحریم انتخابات ریاست جمهوری" نقشی اساسی داشته‌اند. البته این هردو، از دو ماه پیش از فرا رسیدن زمان برگزاری انتخابات و در همان زمان که هنوز کاندیداتوری "میرحسین موسوی" مطرح بود و نه انصراف او و کاندیداتوری دکتر خاتمی، در یک جلسه پرسش و پاسخ در یکی از شهرهای ایران، اعلام داشته بودند، که سازمان این انتخابات را رسماً تحریم خواهد کرد. خبر این جلسه پرسش و پاسخ نیز، بر مبنای گزارشی که از همان جلسه به راه توده رسیده بود، در شماره ۵۷ چاپ شد. بدین ترتیب، رهبری و مسئولین اجرایی سازمان اکثریت، پیشاپیش و بی‌اعتناء به تحولاتی که در شرف وقوع بود و بعدها وقوع یافت، تصمیم به تحریم انتخابات داشت؛ چرا و براساس کدام تحلیل و ارزیابی به استقبال تحریم رفته بودند؟ لابد همان سرمقاله‌هایی که در نشریه کار منتشر شد و همان فعل و انفعالات که در نامه زیر می‌خوانید.

فرخ نگهدار، پس از پایان انتخابات، مقاله‌ای را در نشریه "کار" ۱۸ خرداد منتشر ساخت و در آن فاش ساخت، که رهبری سازمان، تن به بحث علنی پیرامون نظرات متفاوت در میان اعضای رهبری و مرکزیت سازمان، پیرامون انتخابات ریاست جمهوری نداده و بصورت غافلگیر کننده‌ای، اعلامیه تحریم را در نشریه کار منتشر ساخته است! نگهدار، در ابتدای نامه خود نکته محوری را مطرح می‌کند، که در نوع خود شامل همه سازمان‌ها و احزاب تحریم کننده انتخابات اخیر در ایران می‌شود و باید هم بشود. او می‌نویسد، که علیرغم رهنمود رهبری سازمان، هزاران علاقمند و هوادار سازمان مذکور در ایران رفته‌اند پای صندوق‌های رای و رای داده‌اند، بدین ترتیب رهبری که اعضای سازمانش رهنمود آنرا نه تنها قبول نداشته، بلکه خلاف آن عمل کنند و بعد هم معلوم شود، که این تخلف سازمانی درست تر و منطقی‌تر از آن رهنمود رهبری بوده، دیگری چگونه می‌تواند داعیه رهبری را داشته باشد؟ او بدین ترتیب همه اعضای سازمان را به بحثی جدی پیرامون اوضاع ایران و خط مشی رهبری سازمان فرا خوانده و ضرورت تدابیر کنکریه‌ای را از این طریق مطرح می‌سازد.

تکات مربوط به نظرات مطرح در سازمان اکثریت، پیرامون انتخابات و پیشنهادهای سازمانی فرخ نگهدار را بر گرفته از مقاله و یا "نامه" منتشر شده او در نشریه "کار" در زیر می‌خوانید. در متن آن بحثی که نگهدار مطرح می‌کند، برای ما این نکته محوری نیز است، که تمام ادعاهای سال‌های اخیر، پیرامون احترام به نظرات و دیدگاه‌ها، طرح آنها و پافشاری بر علنیت و روابط دمکراتیک و غیره از ادعا تا واقعیت فاصله‌ای در حد هماهنگی و همخوانی رهبری سازمان در خارج از کشور و اعضا و هواداران سازمان در داخل کشور داشته و دارد؛ البته ما به تجربه خود، یا توجه به مقاومت در برابر چاپ دیدگاه‌ها، اطلاعیه‌ها و... راه توده در نشریه کار (حتی آنجا که از ما رسماً نظر خواسته و ما آنرا در اختیارشان گذاشته بودیم)، میزان این فاصله را دریافته بودیم، و حالا همین شیوه از زبان یک عضو رهبری رسماً و با ارائه سند مطرح و به بحث گذاشته می‌شود. برای مثال، در همان شماره ۱۸ خرداد نشریه "کار" که بحث‌ها و اعلام نظرات پیرامون سیاست تحریم و نتایج انتخابات منتشر شده، با احترام کامل به دمکراسی و روابط دمکراتیک، دیدگاه‌های مشروطه خواهان و انواع دیگران چاپ شده، اما همچنان که رسم نشریه کار است، اعلامیه راه توده، بعنوان یگانه جریانی که از شرکت در انتخابات و رای دادن به خاتمی حمایت کرد، در رابطه با پیروزی وی چاپ نشده است! این سیاست و مشی دمکراتیک، که لابد برخاسته از ترک ایدئولوژی است، در سال‌های اخیر، تنها "راه توده" را شامل نبوده است، که احتمالاً با توجهاتی نیز همراه است، بلکه دیدگاه‌های اعضای سازمان را هم به شهادت نامه‌هایی که برای ما نوشته‌اند، شامل بوده است. آخرین نمونه آن، مطلبی است که نویسنده و یا نویسندگان آن، آنرا از برلین ابتدا برای "کار" ارسال داشته و سپس برای محکم کاری در اختیار ما نیز گذاشته بودند. این مطلب نیز در ارتباط با غلط بودن مشی "تحریم" بود، که با مشی و تصمیم رهبری سازمان مفارقت داشت و شایسته انتشار در "کار" تشخیص داده نشده بود؛ راه توده این مطلب را در یکی از فوق العاده‌های انتخابی خود منتشر ساخت که در شماره ۶۰ نیز بازانتشار یافته است!

فرخ نگهدار پس از اعلام این نکته که چهار نظر در شورای سازمان، در ارتباط با انتخابات وجود داشته، این چهار نظر را به این شکل بر می‌شمارد:

- ۱- انتخابات در چارچوب ولایت فقیه است و باید با صراحت تحریم شود (بهزاد کریمی)
 - ۲- حمایت از یکی از کسانی که خود را نامزد ریاست جمهوری کرده و مخالفت خود را با اصل ولایت فقیه اعلام کرده، و در صورت حذف او توسط شورای نگهبان، اعتراض به حذف و نه اعلام تحریم (مهدی فتاویز)
 - ۳- سازمان باید همراه با دیگر نیروها، بکوشد کسی را به عنوان نامزد ریاست جمهوری معرفی کند (ف.تابان)
 - ۴- از نامزد ائتلاف کارگزاران و مجمع روحانیون مبارز حمایت کند (فرخ نگهدار)
- و ادامه می‌دهد:

«از روزی که احتمال به میدان آمدن آقای خاتمی بعنوان نامزد مشترک مجموعه نیروهای ناراضی درون و پیرامون نظام مطرح شد، بحث و اصرار و رای من در شورای مرکزی آن بوده است که سازمان باید فعالانه از هواداران دعوت کند که در انتخابات شرکت و با رای دادن به خاتمی در مقابل تعرض ولایت فقیه برای تحمیل استبداد بیشتر بایستند. تاکید من این بوده است که نظر به اهمیت و پیچیدگی اوضاع باید نظرهایی موجود در شورا به بحث علنی گذاشته شوند. بخصوص ضروری است مدافعین هر قطعنامه با یکدیگر دیالوگ علنی داشته باشند. حقوق دمکراتیک آنان که این دستگاه رهبری را انتخاب کرده‌اند - یعنی توده اعضا و هواداران - ایجاب می‌کند که از نقطه نظرهای اعضای شورا مطلع شوند. ضرورت تقویت دمکراتیسم در مقابل لیبرالیسم ایجاب می‌کند که همگان بخصوص اعضای سازمان نینک بدانند که انتخاب شوندگان در دستگاه رهبری سازمان دقیقاً چه می‌اندیشند و چه تصمیم می‌گیرند تا بتوانند در کنگره آتی درباره آنان تصمیم بگیرند. در یک سازمان دمکراتیک رهبران فقط زمانی آزادند در مسائل حیاتی تصمیم بگیرند. که توده اعضا را از انگیزه‌ها، تحلیل‌ها و پیشنهادهای خود مطلع کرده باشند، نه به این هوا که به توده فعالین "آگاهی بخشند" که از کدام راه باید رفت، بلکه سو قیلاً از همه بدین منظور که به آنان فرصت دهند که رهبران خود را بشناسند و دو باره آنان - از جمله در کنگره - تصمیم بگیرند.

در نقد عملکرد و مواضع شورای مرکزی در انتخابات ریاست جمهوری - فرخ نگهدار

تلنگر ۲۰ میلیونی!

«شورای مرکزی سازمان ما، قبیل از انتخابات با صراحت و تاکید بسیار گفته است مردم نباید در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کنند. شورای توده‌های مردم خواسته است به پای صندوق‌های رای نروند. نشریه کار به صراحت گفته است امید کسانی که به پیروزی خاتمی دل بسته‌اند، عبث است. او به پیروزی نخواهد رسید و اگر برسد کاری نخواهد کرد.

از سوی دیگر، هزاران هزار نیروی علاقمند به سازمان و آرمان‌های آن، رهنمود و نظر شورای مرکزی دایره به تحریم انتخابات را نادیده گرفته و خود تصمیم گرفتند در انتخابات شرکت کنند و با رای دادن به آقای خاتمی، هوس های آقای خامنه‌ای برای تحمیل ناطق نوری - یعنی تحمیل استبداد بیشتر - را شکست دهند.

در این فضایی که شورای مرکزی خود را در آن قرار داده است، بی‌پرده و صادقانه سخن گفتن پیرامون رفتار خویش کاری بس دشوار و شاید دشوارترین کارها باشند...

از رفقای گرامی عضو شورای مرکزی بدینوسیله درخواست می‌کنم در باره مواضع و رفتار خود قبیل و پس از انتخابات، در باره مبنای تحلیلی و اهداف سیاست‌هایی که اتخاذ شده و بطور مشخص در باره علل تشویق مردم به عدم شرکت و نیز درباره واکنش در قبال شرکت مردم و رای آنان بحث و تبادل نظر علنی صورت گیرد.

احسان و اطلاع من این است که توان و صلاحیت رهبری و نیز اعتبار سیاسی تصمیم اعلام شده شورا در روند انتخابات از سوی نیروهای سازمان در ایران و از سوی بسیاری کادری تبعیدی در خارج مورد ستواری قرار گرفته است. بازیافت این اعتبار نه از طریق گریز از انتقاد که تنها از سازمان دادن یک گفتگوی علنی از طریق بررسی عمیق پایه‌های تحلیلی سیاست‌های ما امکان پذیر است...»

میانی بوس هنرمندان به دره نمونه ای از آنست! مرکز توزیع این نشریات معمولاً نماز جمعه ها و ستاد برگزاری آنهاست!

۲- فرخ نگهدار در تمام طول مقاله خود رای مردم و انتخابات اخیر را ستیز با "خامنهای" و باخت او و تضعیف ولایت فقیه قلمسداد می کند. تمام سردرگمی سال های اخیر که سرانجام به ضربه مهلک سیاست تحریم به سازمان اکثریت و دیگران خورد، ناشی از همین بینش و نگرش به نبرد جناح ها در جمهوری اسلامی بود. در تمام طول مقاله نگهدار، هیچ صحبتی از بازار و سران مولفنه اسلامی، بعنوان گردانندگان توطئه ها، روحانیون مرتجع و ... نیست. ازهر کس که در ایران سؤال کنید، حتی علاقمندان سازمان اکثریت، نخواهند گفت ما علیه خامنهای رای دادیم، بلکه خواهد گفت که ما علیه مجموعه سیاست های اقتصادی و اجتماعی سال های اخیر جمهوری اسلامی رای دادیم. علیه تلویزیون و برنامه های آن، علیه خصوصی سازی و تعدیل اقتصادی، علیه آزادی کشی و ... رای دادیم. بنابراین نباید دایره رای مردم را به این فرد و یا آن فرد محدود و جبهه روشن کنونی که در برابر مردم است را تیره و تار کرد. اینکه خامنهای یکی از بازندگان و یا یکی از بزرگترین بازندگان انتخابات بوده یا نبوده، یک بحث است و اینکه مردم به تحولات رای دادند یک بحث دیگر. تمام گرفتاری سال های اخیر چپ همین خرده بینی و شخصیت بینی بوده است. بحث مربوط به ولایت فقیه و ولی فقیه نیز بخشی از همین نگرش است. اگر ولی فقیه در آزادی ذوب می شود، پس زنده باد آزادی، که مردم نیز خوب آنرا درک می کنند و به نماز و روزه و سهم امام و تقلید مذهبی شان هم ارتباط ندارد. اگر مولفنه و روحانیون حکومتی و انگلیسی همه را ذوب در ولایت می خواهند، شعار ما ذوب همه در آزادی باید باشد!

* آقای نگهدار مدعی است که همه اپوزیسیون انتخابات را تحریم کردند.

خب، این حداقل بی انصافی مطلق است، که آدم همان صفحه خبرها و نظرهای نشریه "کار" را هم تمام و کمال نخواند و در لاپلای خبرهای این صفحه، به نام راه توده و مواضع آن درباره ضرورت شرکت در انتخابات و رای دادن به محمد خاتمی برخورد. گرچه خبر را چنان لاپلای اخبار دیگر گنجانده باشند که زیاد به چشم نیاید، اما این نوع مسائل نباید مانع از کنجکاوی امثال وی برای اطلاع از موضع همگان شود! کسی که از نبودن دمکراسی در رهبری سازمانش گله دارد، از عمل به این دمکراسی و تن ندادن به سانسور باید دفاع کند. البته ما خوشحالیم که در برخی دیدارها و جلسات خصوصی به این واقعیت اشاره می شود، اما دمکراسی برای پشت درهای بسته نیست! وقتی نگهدار صحبت از همه اپوزیسیون می کند، لازم است یادی هم از امثال مهندس سبحانی، نهضت آزادی و حتی دکتر پیمان که تا حد ریه روده شدن و کتک خوردن از انفعال و تحریم دفاع نکرد، بکند.

* درباره دمکراسی درون سازمانی، ما فکر می کنیم بحث بسیار جدی را نگهدار خواهان شده است، که یککاش به دیگر سازمان ها نیز راه یابد.

دستتان درد نکند!

* یکی از علاقمندان راه توده به تاریخ ۱۰ خرداد فاکس کوتاهی را برای ما ارسال داشته است. متاسفانه، کشور، شهر و آدرس ارسال کننده فاکس مشخص نیست و ما در اینجا با نقل فاکس وی- البته با حذف یک کلمه که شاید دیگران را خوش نیاید- از محبت او بدین وسیله تشکر می کنیم:

دوستان گرامی راه توده
جنش نو آغاز مردم ایران را شاد باش می گویم.
رققا خسته نباشید که تلاشتان ارجمند بود. رققا من جز این توانی ندارم که از دور دستتان را بفشارم و بخاطر رهنمودهای درست و تحلیل های درخشانی که در ارتباط با مشکلات انقلاب داده اید و بویزه در ارتباط با انتخابات اخیر بحث گل کاشتید. دشمنان خوشبختانه بنا بطبع خویش رفتار کردند و دوستان دریغاً...
نامه مردم که نامش برای ما اینهمه عزیزست به زخم زبان برخاسته، دست پیش گرفته تا پس نیفتد و دوستان فدائی بی بی... تا نام داریوش همایون را بتفصیل برده اند ولی... تو خود حدیث مفصل بخوان از مجمل- دوستدارتون
۱۰ اردیبهشت ۹۷

رایزنی و مشورت

* از سوئد نیز نامه کوتاهی را همراه چند رهنمود و توصیه بجا دریافت داشته ایم. ما تصور می کنیم با مطالعه اعلامیه پانپان انتخابات و پیروزی محمد خاتمی، برخی از نظرات نویسندگان این نامه تامین شده باشد.

در هر حال چون انتظارم از مسئولان هماهنگی شورا و دبیر نشریه کار چیزی فراتر بود، من شخصاً در انتظار تصمیم ارگان های رهبری سازمان برای سازماندهی بحث علنی باقی ماندم، اما وقتی چند روز قبل از انتخابات اعلامیه شورای مرکزی دایر بر دعوت مردم به عدم شرکت در انتخابات انتشار یافت دریافتیم که انتظارم بیهوده بوده است و من می بایست دلائل مورد نظر خود را پیرامون شرکت در انتخابات و متوجه کردن سمت اصلی ضربه به سوی ولایت فقیه از همان ابتدا به بحث علنی می گذاشتم... اکنون گه به پشت سر نگاه می کنم سکوت در برابر بی خبر گذاشتن نیروهای سازمان و مردم از بحث های شورا بسیار بیشتر از نشوریدن بر تصمیم شورا دال بر تحریم برایم عذاب آوراست. اگر آن سکوت نبود نیاز به شوریدن اساساً منتفی بود... منشأ عذاب وجدان، برای ما، فقط این نیست که امکانات واقعی نهفته در دل جامعه برای رودررویی با استبداد و عقب نشاندن آن را ندیدیم. خاری که امروز بر وجدان فدائی بودن می خلد آنست که ما تشخیص می دادیم که تقویت خاتمی در مقابل ناطق نوری در وضع فعلی یگانه راه تضعیف ولایت فقیه و استبداد است اما به مردم گفتیم در این کار شرکت نکنید... سرمقاله نویس نشریه "کار" در آستانه انتخابات نوشت احتمال پیروزی خاتمی بسیار کم و از قبل معلوم است که ناطق نوری رئیس جمهور می شود و تازه اگر به فرض مجال انتخاب شود هیچ کاری از دستش ساخته نیست... اکنون سؤال اینست که منکر معنای شرکت در این انتخابات چیزی جز اتکا به نیروی مردم برای جلوگیری از استبداد بیشتر و مطالبه برخی آزادی ها بوده است؟ آیا دعوت به عدم مشارکت معنایش دعوت به تحمل استبداد بیشتر نبود؟ آیا اینها از هم از بدیهیات تحلیل سیاسی نیست؟ این انتخابات یک تلنگر ۲۰ میلیونی به ذهن رخوت گرفته رهبرانی بود که به تحمیل یا تحمل استبداد تا آنجا خو گرفته اند که تو گویی دیگر توان آن ندارند که دریابند این جامعه تا کجا متحمل شده است. چه در بعد جامعه شناختی و چه در ابعاد سیاسی...»

در حاشیه مقاله نگهدار و برخی اظهار نظرها و پیام های دریافتی!

پیرامون مقاله ای که از فرخ نگهدار در نشریه "کار" منتشر شده، می توان مباحثی را مطرح ساخت و نقطه نظرانی را به بحث گذاشت، اما از آنجا که او امیدش آنست که بحث ابتدا در نشریه "کار" آغاز شود، ما هم مانند دیگر خوانندگان نشریه "کار" و علاقمندان به سرنوشت سازمان اکثریت منتظر می مانیم تا ببینیم تعهد به "دمکراسی" کدام مرز ممنوعه را بر نمی تابد!

اما در حاشیه مقاله نگهدار و اصولاً ماجرای تحریم انتخابات، ذکر چند حاشیه را بی جا نمی دانیم:

* فرخ نگهدار در مقاله خود می نویسد که نشریه "یا لثارات الحسین" که در تهران ارگان انصار حزب ا لله شده، جدید التاسیس است. راه توده بارها، در دوران اخیر تاکید کرده است، که برای درک اوضاع ایران باید با جریانات و حوادث داخل کشور بیشتر آشنا شد و این ممکن نیست مگر ارتباط بیشتر داشتن با داخل کشور و پیگیری رویدادهایی که احتمالاً ما از آن ها چندان خوشمان نمی آید، اما واقعیت است.

اولاً نشریه "یا لثارات الحسین" نشریه ای تازه تاسیس نیست و از عمر آن حدود ۵ سال می گذرد! ما در شماره های گذشته زایتوده نوشته ایم که این نشریه در کنار دو نشریه دیگر باسامی "نماز" و "شلمچه" از سوی ارجاع مذهبی، حجتیه و با پول بازار و در دوران وزارت مصطفی میرسلیم با اجازه غیر رسمی این وزارتخانه انتشار می یابند. در گزارش مرسوط افشای ماهیت انصار حزب ا لله که به نقل از نشریه "عصرما" در همین شماره راه توده آنرا می خوانید، تصریح شده است که لثارات الحسین و شلمچه در زمان وزارت محمد خاتمی در وزارت ارشاد، بصورت غیر رسمی و با کمک همان منابعی که در بالا بدان ها اشاره شد منتشر شده و علیه وی به ستیز برخاسته بودند. از دل همین نشریات، برنامه "هویت" تلویزیون علیه ملیون ایران و همه میهن دوستان واقعی ایران بیرون آمد. برخی از توابع دست به قلم سازمان مجاهدین خلق، که اکنون در کیهان هوایی و تلویزیون جمهوری اسلامی کار می کنند و پل ارتباط زندان اوین و اسدان لثارات لاجوردی با مطبوعات به حساب می آیند، مطلب نویس این نشریات می باشند. برخی از همین توابعین و نویسندگان نشریات فوق، در سال های اخیر به نمایندگی از سوی دستگاه های خبری و تصویری جمهوری اسلامی بعنوان نماینده به جمهوری های آسیای اتحاد شوروی سابق اعزام شده اند. ما به همه علاقمندان این مباحث و از جمله فرخ نگهدار توصیه می کنیم آن شماره های راه توده را که این مطالب در آنها منتشر شده، با دقت بخوانند. ماجراها و جنایات بزرگی از درون این نشریات شکل گرفته است، که ماجرای فرج سرکوهی و توطئه سقوط